

در دفاع از سوسیالیسم (۳)  
نقد سند (قرار) کنگره نهم و سند پیشنهادی به کنگره دهم

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• ما به مثابه جریان پیرو سوسیالیسم علمی در فرآیند جهانی شدن از ارزش های دموکراتیک و سوسیالیستی دفاع می کنیم و متعهد به مبارزه و افشای پروژه جهانی سازی سرمایه دارانه می باشیم ...

اخبار روز: [www.iran-chabar.de](http://www.iran-chabar.de)  
پنجشنبه ۷ دی ۱۳۸۵ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۶

<"www.akhbar-rooz.com style="text-decoration: none

[قسمت اول مقاله را اینجا بخوانید]

بخش دوم

نقد قرار کنگره نهم

"فرآیند جهانی شدن (لوبالیزاسیون) جهانی دیر ممکن است"

سند با تحلیلی مارکسیستی از جهانی شدن آغاز میکند، "جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، فرایندی ریشه دار و فراگردی وسیع، گسترده و همه جانبه در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که مرزهای ملی را در می نوردد و بعنوان واقعیتی انکارناپذیر در حال تکوین و تکامل است." و این مطابق تحلیل مارکس و انگلس در مانیفیست کمونیست می باشد:

" مرآمده همه جانبه و وابستگی متقابل و عالم گیر ملتها جایگزین انزوا و خودکفایی محلی و ملی کهن شده است. در تولید فکری نیز همان وضع تولید مادی حاکم است. آفریده های معنوی ملتهای مختلف دارای مشترک (تمام ملتها) می شود. یک سویه گی و تنگ نظری ملی بیش از پیش ناممکن می گردد و از ادبیات گوناگون ملی و محلی ادبیات جهانی سربر می آورد." (۱۳)

متاسفانه سند کنگره نهم در ادامه با روی گرداندن از دیدگاه مارکس و جایگزین کردن دیدگاهی تسلیم طلبانه اعلام میکند که نفی فرآیند جهانی شدن و دوری گزینی از آن در جهان امروز، امری ناممکن و نابخردانه است. سند گویا فراموش کرده است که فرآیند جهانی شدن (در واقع جهانی سازی) مورد ادعای تدوین کننده گان آن، در دهه ی هشتاد و بیژگی نظام سرمایه داری جهانی و امریالیستی دارد. سند با بیان اینکه دوری گزینی از این فرایند ناممکن است، جمله معروف فوکویاما مبنی بر پایان تاریخ را تداعی نموده است. بدینسان سند در همان گام اول در دام نئولیبرالیسم افتاده و تا به آخر هم نتوانسته است از این مهلکه به در آید. ما مخالف جهانی شدن نیستیم، چرا که خود در پی اعتلای جنبش ضدجهانی سازی تحمیلی سرمایه دارانه در گستره جهانی هستیم. مخالفت ما با ویژگی امریالیستی این فرایند

نویسندگان سند با لحنی پندجویانه همچون سوسیال دمکرات های راه سومی، به واقع وابسته به امپریالیسم (مانند بلر) در مقابل سرمایه داری "بد" اجماع واشنگتن، جانبدار سرمایه داری "خوب" کینزی گشته اند. این سند نه در پی بدیلی سوسیالیستی، بلکه به دنبال اصلاح نظام سرمایه داری و گرفتن امتیازاتی از نظام موجود است. روند منطقی این تفکر استحاله سوسیال دمکراتیسم بلری در نئولیبرالیسم ریگان و تاجر است. با همسان انگاری جهانی سازی و جهانی شدن. پروژه ی امپریالیستی جهانی سازی به زیر سایه رفته و چنان تداعی شده که آنچه در جریان است، فرایندی طبیعی و منطقی است که نئولیبرالیسم هم قرآنتی از آن به شمار میآید. در حالی که این دو چنان در هم تنیده اند که جدا کردن آنها و تصور جهانی سازی بدون نئولیبرالیسم طنزی بیش نیست. بر خلاف ادعای سند دوری گزینی از این فرایند امپریالیستی نه تنها بی خردی نیست، بلکه عین خردورزی و گامی به پیش است، اما بشرط آنکه گزینه ای مناسب را بعنوان بدیل و آلترناتیو نئولیبرالیسم و پروژه جهانی سازی آن ارائه کنیم. و حساب خود را از ضدجهانی سازی سازان واپسگرائی همچون بنیادگرایان مذهبی و ناسیونالیستهای قومی جدا سازیم. نئولیبرالیسم در حال سرکوب تمامی امکانات بالفعل و بالقوه ای است که می تواند گزینه های دیگری را حتی در چهارچوب سرمایه داری طرح نماید. اگر بطور مشخص پی آمدهای جهانی سازی را مد نظر قرار دهیم، مطمئناً چیز با ارزشی در قبال فجاج ناشی از آن نخواهیم یافت. پرسشی که برای ما مطرح می شود این است که به نظر نویسندگان سند، به فرض داشتن دولتی نخبه می توان سرمایه داری را انسانی کرد؟ یا می توان در راستای محو و کاهش تضادهای طبقاتی و شکاف شمال و جنوب گام برداشت؟

ما نیز معتقدیم که می توان جهانی شدن را سازماندهی کرد ولی نبایستی این امر را با جهانی سازی یکی انگاشت، چرا که جهانی سازی را نمی توان به نفع توده های زحمتکش سامان دهی کرد. سرمایه داری را نمی توان به نفع کارگران و کشورهای در حال توسعه و فقیر جهت دهی کرد. جهانی سازی اساساً پروژه ای برای غارت ارزش های آفریده شده توسط کارگران است، و طبیعاً چنین پروژه ای را نه می توان عادلانه نمود و نه دمکراتیک کرد. سودهای نجومی سرمایه مالی سامان پذیر نیستند.

در این موضوع که جهانی سازی پروژه ای است پیچیده و متناقض که موجب تعمیق شکاف میان برندگان و بازندگان و به تعبیر دیگر شکاف سرمایه داران و کارگران شده و جهان چهارمی از دل سیاه چاله های متعدد حذف اجتماعی در سراسر جهان پدیدار می شود، با نویسندگان سند هم رأییم. آنچه از این پروژه شاهدیم سیاهی و تباهی است، اینکه این سیاهی ها چهره روشنی هم داشته باشد برای ما نامأنوس و غیر قابل لمس است. آنچه شما از آن بعنوان چهره روشن نام می برید، مربوط به فرآیندی دیالکتیکی است که ارتباطی به این پروژه امپریالیستی ندارد. آنچه که ما از این فرآیند شاهدیم، گسترش فقر، نابرابری، حذف اجتماعی، قطبی شدن، تخریب محیط زیست و استثمار کارگران است. آمار گویای آنست که کارگران و زحمتکشان از افزایش امکانات مادی و ثروت جهانی بهره ای نبرده ند. اقشار میانی در حال ریزش به سمت ابین می باشند. هرم ثروت هر روز تیزتر و تیزتر میشود.

برخلاف ادعای سند فرایند جهانی سازی و امپریالیسم نو نه تنها سنتهای غیر عقلانی و ضدتوسعه را به چالش نکشیده

اند، بلکه زمینه و بستر رشد بنیادگرایی مذهبی و ناسیونالیسم افراطی را هم فراهم ساخته اند. و تا جایی که می توانستند در گسترش آن تلاش کرده اند. رفتار زعیم سرمایه داری در عراق و افغانستان نمونه ای عینی از همین رفتارهای غیرعقلانی است. بنیادگرایان مذهبی چون طالبان، القاعده، رزمندگان گروه ابوسیف و جنبش های شووینستی فعال در سراسر جهان و منطقه و کشورمان حاصل این سیاست های نابخردانه امریالیسم است. نیروهایی که سنتهای ارتجاعی و واسرایانه را به چالش کشیده اند، کمونیستها، طبقه کارر، نیروهای ترقیخواه و رادیکال اند.

ما اعتقادی به این که جهانی سازی فرصتی را برای توسعه کشورهای پیرامونی فراهم ساخته باشد، نداریم. آمار توسعه انسانی سازمان ملل و صدها گزارش نهادها و ارگانهای سرمایه داری خود گویای این واقعیت تلخ است. به صرف تبلیغات ایدئولوگ های نئولیبرالیست ها و رسانه های جمعی شان، که متأسفانه طیف وسیعی از سوسیال دموکراتها و چپ ها را هم با خود همراه ساخته است، نمی توان چنین دروغ بزرگی را باور کرد. آنها حتی یک نمونه، تاکید می کنیم حتی یک نمونه از این جامعه مورد نظرشان را در بین کشورهای پیرامونی نمی توانند معرفی نمایند. ولی ما می توانیم صدها مورد از فجایع انسانی، زیست محیطی، فرهنگی و غارت ناشی از عملکرد نئولیبرالیسم و جهانی سازی را نشان دهیم.

سند بر آن است که با ارتقاء نهادهای بین المللی می تواند جهانی شدن (در واقع جهانی سازی) را سامان دهد، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی سه نهاد اصلی اقتصادی جهانی سازی به شمار می روند. دوستان ما با کدام ابزار و راهکار در پی ارتقاء و ساماندهی این نهادهای بین المللی و در عین حال امپریالیستی در راستای منافع کارگران و زحمتکشان هستند؟ این نهادها با موعظه و نصیحت دمکراتیزه خواهند شد؟ نهادهایی که با سیاستهای تعدیل ساختاری کشورهای توسعه نیافته را به خاک سیاه نشانده اند. رفقای ما حتماً می دانند که کشورهای امپریالیستی- آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلیس و فرانسه- تصمیم گیرندگان اصلی و تعیین کننده این نهادها هستند و با داشتن ۵۰٪ آراء و حق وتو، عملاً قدرت مقابله را از سایر کشورها سلب کرده اند. سهم ما در این معادله قدر است؟ و تا چه حد می توانیم در تصمیم گیریهای اقتصادی آنها نقش داشته باشیم؟ کشورهای پیرامونی موسوم به جهان سوم کمتر از ۶٪ سهام این موسسات را دارا هستند. شما خود بهتر می دانید که با این ساختار غیردمکراتیک و غیر شفاف که حیاتی ترین تصمیمات آنها در خفا و دور از چشم افکار عمومی و رسانه ها اتخاذ می گردد، و با رعایت قواعد بازی سرمایه داری نمی توان موجب تحول و دگرگونی شد. منطقاً هم چنین امکانی وجود ندارد. اصلاً کسی از شما بزرگواران پرسشی در مورد قوانین و روندهای جهانی سازی بعمل می آورد؟

به نظر ما ارتقاء نقش شهروندان جهانی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از طریق مهار سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و نهایتاً گذر از سرمایه داری ممکن است. راهکار منطقی نه در ارتقاء نهادهای امپریالیستی؛ بلکه در نهادسازی مردمی است، که بتواند ضمن تاثیر بر سازمان ملل و شورای امنیت موجب تحولات به پیش جامعه جهانی گردد.

جهانی سازی "سرمایه داری ظرفیت های تولیدی نوع بشر را به میزان بسیار زیادی گسترش داده است، اما به قیمت توزیع بی نهایت نابرابرانه ی فرصت ها که زاییده آن ها است و تخریب گسترده ی تنوع بیولوژیکی و اجتماعی."

(۱۴) حتی اگر سرمایه داری هنوز هم نقشی در رشد مادی و ثروت جامعه بشری داشته باشد، این امر به حدی ناچیز است که در قیاس با بازدارندگی سرمایه و نقش ارتجاعی آن به حساب نخواهد آمد. سرمایه داری دیرزمانی است که نقش مثبت خود را از دست داده و به عاملی بازدارنده در رشد و پویایی اجتماع مبدل گشته است، با شتاب گرفتن روند جهانی سازی این نقش منفی و ارتجاعی هرچه بیشتر آشکار می شود. مبارزه با آن نه تنها بازدارنده گی توسعه همگانی نیست بلکه گامی به پیش محسوب می گردد. استعمار هم در قرن نوزدهم موجب پیشرفتهایی در مستعمرات گردید. با این استنباط مقاومت جنبش های آزادی بخش در برابر استعمار، ارتجاعی و بازدارنده بوده است.

در اینکه سرمایه داری موجب افزایش تولید مادی و معنوی ثروت جامعه بشری شده و مضاف بر آن زیرساختهای جامعه سوسیالیستی را پی ریزی می کند، تردیدی نیست و ما هم تردیدی نداریم. مهم آن است که بدانیم سهم طبقه کارگر و توده های زحمتکش از این رشد تولیدات مادی چقدر است؟ همچنین هزینه ای که این روند توسعه ناموزون و ناعادلانه بر کرده ی مردم تحمیل می کند چقدر است.

واقعیت این است که اگر امکانات مادی موجود جهان به شکلی عادلانه بین انسانها توزیع گردد، زندگی سعادت‌مندانه ای را نصیب آنها خواهد ساخت. امروز اولویت نخست ما نه افزایش تولیدات مادی بلکه بهره مندی عادلانه انسانها از امکانات موجود می باشد، البته این به معنای مخالفت با رشد تولید و ثروت بشری نیست. بلکه اولویت ما در بهره مندی عادلانه ای است که در عین حال موجب ویرانگری اجتماعی، فقر، ناکارآمدی، تبعیض و خصوصاً تخریب محیط زیست و نابودی کره خاکی نگردد.

درک اینکه فقر و ایدز، نابودی محیط زیست، تحدید دموکراسی و استثمار کارگران محصول کدام مکانیسم می باشد، سهل تر از آنست که سرمایه داری بتواند لاپوشانی کند.

هر چند که سند مخالف یکجانبه گری امریکاست، و با نئولیبرالیسم و سپردن ساماندهی جهانی به دست بازار مخالف است اما از روند جانشین آن سخنی به میان نمی آورد. و مشخص نمی سازد که بدیل این شرّ مطلق چیست؟ و علیرغم آنکه بر شکل گیری جامعه جهانی که در آن شهروندان جهانی در تصمیمات اقتصادی و شغلی و تولیدی، سیاسی و اجتماعی سهیم باشند تاکید می کند، ولی باز هم راه دستیابی به این هدف را مسکوت می گذارد. در معرفی این راه دستیابی ما می گوئیم: سوسیالیسم و سامان بخشی به جهان از طریق رشد آگاهی و نقد و هم دردی و هم کاری های بشری و کارگری که فوروم های جهان شمول و انترناسیونالیسم پرولتری را در بر بگیرد. ما می گوئیم شکل گیری دولتهای دموکراتیک و متکی بر خرد. ما می گوئیم سامان بخشی جهان و تضمین مشارکت دموکراتیک مردم در مدیریت جهان در گرو حذف یا مهار سلطه سیاسی و اقتصادی امپریالیستی است، و جهانی سازی تاکنون عالی ترین مرحله امپریالیسم بوده است. ما می گوئیم باید هم ساخت و هم مقاومت کرد و هم همدلی جهانی را دامن زد، ما می گوئیم دولت های با سمت گیری سوسیالیستی، با اتحادهای منطقه ای و فراهم ساختن زمینه اداره مردم، راه های شناخته شده تاکنون برای دموکراتیزه کردن جهانی شدن می باشند.

اگر اعتقاد ما از تاکید به ارزشهای دموکراتیک و سوسیالیستی فراتر رفته به گزینه های سوسیالیستی فرا روید، مطمئناً اولویت نخست ما مبارزه علیه جهانی سازی و سرمایه داری خواهد بود. ما می توانیم برای حقوق بشر، حاکمیت قانون، دموکراسی مشارکتی، عدالت اجتماعی و برابری، کارائی اقتصادی، توسعه پایدار و انسانی، حفظ محیط زیست، برابری همه جهان و ندان، میثاق های جهانی، صلح و همبستگی فراملی مبارزه کنیم و لازم می دانیم که حتماً چنین کنیم، ضروری می دانیم حول هر یک از خواسته های یاد شده جنبشی را در سطح جهان سازماندهی کنیم و با پیوند آنها در فوروم های جهانی مبارزه ای مشترک را علیه سرمایه داری و پروژه جهانی سازی اش به پیش ببریم. اما مجاز نیستیم توده های کار و زحمت را تنها در مبارزه با شاخ و برگ سرمایه داری گمراه ساخته و از هدف اصلی دور نماییم.

## اهداف و سمت گیری ها

وقتی بحث از ارتقای قانون به سطح بین المللی است، نخست باید خود قانون تعریف و مشخص گردد. هر قانونی صرف اینکه قانون است قابل دفاع نیست، مگر تمامی قطعنامه های شورای امنیت در جهت منافع اکثریت جامعه جهانی و قابل دفاع است؟ اما با حاکمیت چند لایه و مبارزه برای دموکراتیک ساختن دولتها موافقیم، در مورد ارتقای نقش نهادهای فراملی سوال ما اینست که منظور نویسندگان سند کدامین نهادهاست. آیا بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی نیز جزو این نهادها هستند؟ مطمئناً در صورت پاسخ مثبت نمی توانیم با شما هم رای باشیم. ولی ارتقاء نقش نهادهای بین المللی مردمی مانند اتحادیه کارگری، جنبش های محیط زیست، زنان، کودکان و انجمن های صنفی و فرهنگی و جز آن را امری مثبت و مترقی می دانیم.

یکی از اهداف سوسیال فوروم های جهانی و تمامی نیروها و احزاب مترقی جهانی بایستی تلاش برای دموکراتیزه کردن سازمان ملل متحد و خصوصاً شورای امنیت آن سازمان باشد. و این تنها زمانی میسر است که نیروهای فوق در گستره جهانی متشکل و قوی و متعرض نظام سرمایه داری باشند. تجربه بعد از انقلاب اکثراً خصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی بیانگر این واقعیت است که سرمایه داری بخاطر حیات دولت اتحاد شوروی امتیازات زیادی به کارگران داده بود که پس از فرواشی یک به یک پس می گیرد.

ما شماری از اهداف و سمت گیریهای سند را قبول داریم به شرط آنکه با هدف اصلی مبارزه با سرمایه داری و برقراری نظام سوسیالیستی هم راستا باشد و به بهانه مبارزه برای آنها، سوسیالیسم را فدای مصلحت ها نکند.

## بخش سوم

### سند پیشنهادی ما به کنگره دهم

### فرایند جهانی شدن و پروژه جهانی سازی

## نگرش ها

جهانی شدن روندی دیالکتیکی، امری برآمده از تاریخ، فرآیندی ریشه دار و فراگردی وسیع، گسترده و همه جانبه در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، که مرزهای ملی را در می نوردد و بعنوان واقعیتی انکارناپذیر و در حال تکوین و تکامل در مسیر تحولات اجتماعی، بشکلی پایدار از گذشته ای دور آغاز شده و هر روز بر شتاب آن افزوده می شود. این روند موجب فشردگی فضا و مکان، همبستگی طبقه کارگر، نیروهای ترقیخواه و تحول طلب و ایجاد امکانات مادی برای گذار از نظام سرمایه داری به سوسیالیسم است.

همزمان با این فرایند طبیعی، پروژه ای اراده گرایانه با ماهیتی امپریالیستی از سوی سرمایه داری جهانی و بطور مشخص شرکت های فرا ملیتی، خصوصاً سرمایه مالی طفیلی ترین بخش سرمایه داری، سازماندهی گردیده است. که اهداف اصلی آن، انهدام تمامی سدهای فراروی سرمایه داری برای کسب سود بیشتر و انباشت سرمایه و تبدیل جهان به بازاری برای سرمایه داری و فروش محصولات خود، ادغام بازارهای جهانی و یک دست سازی اقتصاد است. مشخصه ی مهم این پروژه در مقطع کنونی سیطره ی ایالات متحده است. هرچند که مبارزات نهان و آشکار دیگر کانون های امپریالیستی برای کسب هژمونی و یا افزایش سهم و نقش خود از این پروژه در جریان است.

نئولیبرالیسم و محصول ناگزیر آن، نو محافظه کاری بعنوان سیاست اجرایی پروژه جهانی سازی در پی استفاده نامشروع از مقبولیت جهانی شدن به نفع جهانی سازی، با درهم ریختن تفاوت ها و مرزهای این دو می باشد. این سیاست بر آن است تا پروژه اراده گرایانه جهانی سازی را به نام فرایند طبیعی و دیالکتیکی جهانی شدن پیش برد. اگر نفی فرآیند جهانی شدن امری نابخردانه و دوری گزینی از آن غیرممکن و مقابله با آن واپس گرایانه است. پذیرش پروژه جهانی سازی تسلیم شدن به خواست سرمایه داری و قبول سیاست های امپریالیستی در تمامی عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. همراهی با این خواست چیزی جز مساعدت به سرمایه داری برای استثمار بیشتر کارگران و غارت کشورهای در حال توسعه برای کسب سود بیشتر و انباشت سرمایه به دست شرکت های فرا ملیتی و کشورهای امپریالیستی نیست.

جهانی سازی سرمایه داری پی آمد های زیر را بدنبال داشته است:

- تعمیق شکاف های طبقاتی و شکاف بین کشورهای فقیر و غنی موسوم به شمال و جنوب.
- تشدید استثمار کارگران، تضعیف اتحادیه های کارگری و تاراج دست آوردهای چندصد ساله کارگران.
- گسترش فقر، بیکاری، تبعیض، و تورم به نفع قطب های قدرت اقتصادی
- افزایش نقش شرکت های فراملیتی در فعالیت های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی.

انتقال نقش دولت های ملی به شرکت های فراملیتی در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

تضییع حقوق و تشدید استثمار زنان و کودکان.

محدودیت روزافزون امکانات آموزشی و بهداشتی.

تخریب شتاب آلود محیط زیست و تحمیل هزینه های آن به زحمتکشان و کشورهای فقیر و غارت منابع طبیعی.

کاهش بهره وری زمین های کشاورزی و از بین رفتن امنیت غذایی کشورهای در حال توسعه و خودکشاورزان

ناشی از سیاست های توسعه ساختاری "تولید برای صادرات".

ترویج فرهنگ آمریکایی مبتنی بر مصرف گرایی.

بهره کشی جنسی از زنان و کودکان.

رشد بنیاد گرایی مذهبی و جنبش های شوونیستی ظاهراً "مخالف جهانی سازی که عملاً در خدمت جهانی سازی

امریالیستی و ریاکاری و زورگویی آن قرار می گیرند.

تضعیف و حذف دموکراسی واقعی و مشارکتی و ترویج دموکراسی سطحی و صوری.

مدیریت غیرشفاف و غیردموکراتیک نهادهای جهانی سازی از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان

تجارت جهانی.

تخریب و سرکوب روند رشد دموکراسی.

جهانی شدن نیز دستاوردهای زیر را به بار آورده است:

فشرده گی فضا و زمان و تبدیل جهان به دهکده ای کوچک و قابل دسترس در کمترین فاصله زمانی.

برنامه جهانی مستمر و پایدار مبارزه با فقر و تبعیض و محرومیت.

فراهم ساختن امکانات مادی برای ایجاد ارتباط و همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان.

رشد فزاینده آگاهی طبقاتی

رشد و پیوند جنبش های مدنی و ترقیخواه جهان تحت لوای سوسیال فوروم جهانی.

مساعدت به تحول جنبش های مدنی و ارتقاء آنها به جنبش هایی ضد سرمایه داری.

جایگزینی همبستگی و تبادل فرهنگی و فکری متقابل و عالم پر ملتها بجای انزوا و خودکفایی محلی و ملی کهن

تبدیل تولیدات فکری و معنوی ملتها به میراث مشترک تمام خلقها.

جایزینی فرهنگ، ادبیات و هنر جهانی مبتنی بر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بجای جنگ، استبداد و استثمار.

**پرنسیپ های مادر برخورد با دو فرایند متضاد جهانی شدن و جهانی سازی سرمایه داری**

دفاع از صلح، سوسیالیسم، دموکراسی مشارکتی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و برابری، توسعه پایدار و انسانی،

حفظ محیط زیست، بریدن استثمار، تحدید مالکیت خصوصی، برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید، ارتقاء

همبستگی خلقها و احیاء انترناسیونالیسم پرولتری.

مبارزه با جنگ، سرمایه داری، سرکوب و استبداد، انهدام سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی، فرهنگ مصرف

گرایی و سیاست های تعدیل ساختاری.

ما به مثابه جریان پیرو سوسیالیسم علمی در فرآیند جهانی شدن از ارزش های دموکراتیک و سوسیالیستی دفاع می کنیم و متعهد به مبارزه و افشای پروژه جهانی سازی سرمایه دارانه می باشیم.

### اهداف و سمت گیری های ما

مبارزه با یاس و سرخوردگی، شفافیت سازی در مبارزات مردمی، تاکید مجدد و ایستادگی بر مارکسیسم، و دفاع از دستاوردهای آن و مبارزه با جریاناتی که سعی در استحاله و منسوخ نمودن این تفکر را دارند. مساعدت به اتحاد گسترده سوسیالیستی در سطح جهانی.

تلاش برای متشکل ساختن کارگران، تقویت اتحادیه ها، همکاریهای صنفی- سندیکایی فرا ملیتی، احیاء انترناسیونالیسم پرولتری و آزادی مهاجرت نیروی کار.

تشکیل و تقویت سازمان های غیردولتی، توسعه جنبش سوسیال فوروم جهانی.

تامین حاکمیت مردم از طریق دموکراتیزه کردن امر حاکمیت و دولتها، فرا رویاندن دموکراسی لیبرالی به دموکراسی مشارکتی.

سازماندهی حاکمیتی جندلایه از سطح محلی تا جهانی و ارتقاء نقش نهادهای مردمی و بین المللی با سوگیری عدالت، آزادی و رشد همگانی.

ارتقاء حقوق بشر به سطح امنیت، تقویت نهادهای حقوق بشری و اعمال فشار و مداخله نهادهای مردمی و بین المللی در کار حکومت ها برای رعایت حقوق بشر و تشکیل دادگاه های حقوق بشر خارج از اراده و نفوذ امپریالیست ها.

تغییرات دموکراتیک در سازمان ملل متحد و شورای امنیت، ایجاد نهادهای دموکراتیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

تشکیل نیروهای صلح طلب و مخالف جنگ در سازمانهای محلی، ملی، منطقه ای و جهانی، کاهش هزینه های نظامی، کنترل تسلیحات و نظارت بر آن، توقف تولید سلاحهای هسته ای، میکربی، شیمیایی و نابودی کلیه سلاحهای کشتار جمعی، مین های ضدنفر و...

خاتمه دادن به تجاوزات امپریالیستی و برانگیزش عزمی جهانی برای برقراری دموکراسی، عدالت و توسعه همگانی در سرزمین های تحت سلطه.



مبارزه با معضلات اجتماعی همون مواد مخدر، تروریسم، جنایات سازمان یافته، شبکه های قاچاق، پایان دادن به جنگ علیه کشورها، اقوام، نژادها و نسل کشی.

لغو بدهی های کشورهای فقیر، اجرای تعهدات و سیاستهای مربوط به کاهش فقر جهانی و توقف سیاست های تعدیل ساختاری نئولیبرالی، ایجاد ابزارهای جدید سرمایه داری در زیر ساخت های بهداشتی، آموزشی، رفاهی و...

مهار شرکتهای فراملیتی، برقراری مکانیسم مالیات جهانی از جمله بر مبادلات ارزی و مالی دیگر، و اختصاص آن به مبارزه با فقر، بیماری ایدز، بیسوادی، حفظ محیط زیست و وضع استانداردهای زیست محیطی مبتنی بر حقوق زحمتکشان و کشورهای در حال توسعه.

سازماندهی دموکراتیک کمیسیون شفاف سازی اقتصادی سازمان ملل متحد.

رفع تبعیض جنسیتی و تامین برابری کامل حقوق زن و مرد در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

افشای و مبارزه گسترده برای محو تمامی اشکال بهره کشی جنسی.

برگرداندن کودکان از کارخانه ها، مزارع و خیابانها به محیط های آموزشی.

همکاریهای سیاسی و اقتصادی منطقه ای برای مقابله با فرایند امپریالیستی جهانی سازی جهت ایجاد امکانات مادی برای بالا بردن توان اقتصادی و رفاهی کشورهای در حال توسعه.

مبارزه ی همه جانبه با فساد اداری و مالی و خودکامی های نظامی، سیاسی و تبلیغاتی.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

اول دی ماه ۱۳۸۵

پی نوشت:

۱- مانیفست کمونیست ک. مارکس و ف. انگلس. مرتضوی - عبادیان ص ۲۸۱

۲- زیان باری های جهانی سازی ... فریبرز رئیس دانا ص ۲۰۹

۳- مجموعه آثار و.ای. لنین محمد هرمان ص ۴۲۵

- ۴- مجموعه آثار و.ای. لنین محمد هرمان ص ۴۲۶
- ۵- نه تز در باره دوران ما، ویلیام ایی رابینسون حسن مرتضوی ص ۱۴۷
- ۶- جهانی شدن با کدام هدف هری مداف، ناصر زرافشان ص ۱۱۰
- ۷- کومه نوشته هایی در زمینه زیست بوم امیر مومینی سایت اخبار روز ۱۰/۸/۱۳۸۵
- ۸- اصلاح و انقلاب رزا لوکزامبورگ کشاورز ص ۹۵
- ۹- بهره کشی از مردم - نوام چامسکی حسن مرتضوی ص ۱۳
- ۱۰- بازی شیطان روبرت دریفوس فرزاد فروزنده فصل ۲۵
- ۱۱- مانیفست ضد سرمایه داری الکس کالینیکوس اقبال طالقانی ص ۱۵۶
- ۱۲- مانیفست کمونیست ک. مارکس و ف. انگلس مرتضوی - عبادیان ص ۲۹۲
- ۱۳- مانیفست کمونیست ک. مارکس و ف. انگلس مرتضوی - عبادیان ص ۲۸۱
- ۱۴- مانیفست ضد سرمایه داری الکس کالینیکوس اقبال طالقانی ص ۱۳۵